روزنامه شرق

دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۲ • ۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵ • ۳ فوریه ۲۰۱۴

سال یازدهم • شماره ۱۹۴۴ • ۱۶صفحه • ۱۰۰۰ تومان

رییس‌جمهوری در مرقد امام (ره):

۲۲ بهمن امسال با سال‌های پیش متفاوت باشد

گروه سیاسی: حسن روحانی در دومین روز دهه‌فجر به همراه هیات دولت برای تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل به مرقد امام رفت. در این مراسم که حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی نوه بنیانگذار انقلاب اسلامی و تولیت حرم‌مطهر امام‌خمینی(ره) هم حضور داشت، روحانی و اعضای هیات دولت...

صفحه ۳

احمد شیرزاد، فعال سیاسی:

تحقیر مردم عامل اصلی انقلاب بود

گروه سیاسی: شیرزاد می‌گوید: بدون اینکه قصد تطهیر آن رژیم را داشته باشم باید بگویم که اغلب مشکلات بنیادین ما ریشه در برخی مسایل فرهنگی و عادات اجتماعی ما دارد که بخشی حل شده و بخشی درحال حل شدن است اما هیچ‌کدام از این مشکلات، یک‌شبه قابل حل نیست...

صفحه ۳

در حاشیه «اجلاس مونیخ» رخ داد

چهارمین دیدار وزرای خارجه ایران و آمریکا

صفحه ۲

عوامل فیلم «قصه‌ها» روی فرش قرمز جشنواره فیلم فجر. عکس: مریم مجد، شرق

«قصه‌ها» در صدر آرای مردمی جشنواره فجر

هیچ فیلمی برای همیشه در کمد نمی‌ماند

صفحه ۱۱

سرمقاله

امر اجتناب‌ناپذیر

محمد هاشمی‌رفسنجانی . فعال سیاسی

برای ارایه تحلیلی درست از انقلاب، می‌بایست کمی قبل‌تر، آغاز جدی فرآیند پیروزی ملت و سقوط شاه را مورد بررسی قرار داد و سپس، به این مساله برسیم که «چرا شاه رفت» و دیدگاه او نسبت به روحانیت و حوزه و همچنین جریانات دانشجویی چه بود؟ برای پاسخ به سوال فوق، توجه به عملکرد شاه و شرایط و ساختار نظام حکومتی که او پس از کودتای ۲۸مرداد برای خود تعریف کرده بود، ضروری است. بر اساس قانون‌اساسی مشروطه، شاه یک مقام تشریفاتی بود و مقام مسوول اجرایی به‌شمار نمی‌رفت. به همین دلیل از شهریور ۲۰ که او جانشین پدرش شد تا ۱۳۳۰ و ۳۱، این دولت‌ها بودند که مسوولیت اداره کشور را داشتند و دخالت شاه در مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور کمتر دیده شد. شاه هم مثل همه شاهان مشروطه، روالی داشت و اگر ضرورت پیدا می‌کرد گاهی دولت‌ها را عوض می‌کرد یا درباره یک وزیر مشخص نظر می‌داد اما پس از کودتای ۲۸مرداد، رفتار شاه تغییر کرد. در این میان علاوه بر عوامل داخلی باید به یک نکته مهم توجه شود که معمولا مغفول واقع می‌شود. بعد از کودتا، «حامی خارجی» شاه تغییر کرد. تا آن زمان دولت انگلیس در ایران دولت اصلی استعمارگر بود و در بسیاری موارد دخالت می‌کرد. اما کودتای ۲۸مرداد با طراحی انگلیس و اجرای آمریکا در ایران پیاده شد. پس از آن، سازمان سیا از شاه یک سوال پرسید: «اینکه می‌خواهی سلطنت کنی یا حکومت» و پاسخ شاه این است که من می‌خواهم حکومت کنم! بر این اساس یک طراحی جدید برای ساختار حاکمیت پیشنهاد می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۵

سیاست

رضا صالحی‌امیری در گفت‌وگو با «شرق»:

با تدبیر بزرگان نظام مساله «حصر» حل خواهد شد

صفحه ۵

تیترها

نارضایتی از کیفیت کالاها و توزیع نامناسب

یک سبد دردسر

صفحه ۴

گردهمایی همکلاسی‌های دهه ۶۰ دانشگاه تهران

شب شورانگیز «سیاسی»ها

صفحه ۶

گزارش «شرق» از بازار جدید دلالی در پایتخت

جنین و تخمک ۳ تا ۱۲میلیون تومان

صفحه ۱۴

یادداشت

پاسخ «توطئه‌گر» بی‌ادب به برخی بزرگان ادب

ناصر فکوهی
استاد دانشگاه

ای بی‌خبر ز درد و آهم / خیزید و رها کنید راهم
من گم نشده‌ام مرا مجویید / با گمشدگان سخن مگویید

روزگاری شاعری بزرگ، برای زبان و ادبیات و فرهنگ ما، شعری سروده بود با عنوان زیبا و گویای: «روزگار غریبی است نازنین...». و در حقیقت نیز روزگار غریبی است و جامعه‌ای غریب‌تر که می‌تواند سالم‌ترین و هوشمندترین آدم‌ها را به سوی خودشیفتگی و ازخودبیگانه‌شدن پیش برد. روزگار عجیبی است که هر اندازه در آن بیشتر تامل می‌کنیم، حیرت بیشتری به سراغمان می‌آید. امروز بزرگان عالم‌سیاست، به‌گونه‌ای شگفت‌والبته‌تحسین‌برانگیز، کمتر هراسی از آن دارند که از تکثر فرهنگ و زبان ایرانی سخن بگویند و حتی در دیدارهایشان با مردم نواحی مختلف ایران، به زبان مادری آنها، به‌جز فارسی، سخنرانی می‌کنند تا نزدیکی خویش را با فرهنگ ایشان نشان دهند. در حالی که آنها باید بیشتر از هر کسی از به‌خطرافتادن «وحدت ملی» وحشت داشته باشند و نگران آنکه مبادا تاکید و تاییدی در اینجا و آنجا، ولو کمرنگ، به فرهنگ‌هایی که هزاران سال در این کشور در کنار هم زیسته و یکدیگر را تقویت کرده و «ایران فرهنگی» را ساخته‌اند، به این وحدت و قدرت آنها خدشه‌ای وارد کند. اما در همین روزگار، آدم‌هایی که اصلا و ابدا کارشان سیاست‌بازی نیست، ناگهان وارد میدان می‌شوند تا در موضوعی به اهمیت «حق قانونی تدریس زبان مادری» که در اصل ۱۵ قانون اساسی پیش‌بینی شده است، دخالت کنند. بزرگانی که کارشان پژوهش و تقویت فرهنگ و زبان است، این‌بار رسالت خود را در آن می‌بینند که «توطئه»ها را کشف کنند و دستورالعمل حذفی، برای زبان‌هایی که به مذاق آنها خوش نمی‌آید، صادر کنند. ظاهرا، امروز زبان‌های فرهنگ ما دیگر دارای «اربابانی» شده که باید به ما بگویند چه بکنیم و چه نکنیم. روزگار غریبی است... گویی اینجا هر بزرگواری که نام «بزرگ» و به‌ویژه «بزرگ هنر و ادب» بر او نهاده شد، باید از همان نخستین سال‌های دریافت این مقام ، بکوشد که دست به کاری بزند که دیگران را از این قضاوت عجولانه پشیمان کند. به‌خصوص زمانی که در سال‌های پختگی عمر و موقعیتی قرار گرفته که باید بداند هر کلامش می‌تواند جماعتی بزرگ را به گمراهی بکشد: تلخی داستان شاملو و سخنانی را که در سال‌های آخر عمر بر زبان راند و بدون هیچ شناختی، «ضحاک» شاهنامه را قهرمان مبارزه طبقاتی کرد و «کاوه آهنگر» را سردسته اوباشی که فردوسی (با نام‌بردن از او با تحقیرآمیزترین واژگان) در قالب یک فئودال باستانی، تلاش کرده به مقام قهرمانی برساند، هنوز در اذهان ما هست و می‌دانیم بیشتر از آنکه آن عزیز مسوول این کار باشد، کسانی مسوول هستند که تمایل دارند به‌جای هر کاری از همه‌کس و همه‌چیز «اسطوره» بسازند و سپس به اسطوره‌هایشان مجوزی کامل و بی‌حدومرز برای هرگونه اظهارنظر بدهند تا خودشان را بالا بکشند و این داستان پیشینه‌ای دردناک دارد کمااینکه گروهی از نوشته‌های عرب‌ستیزانه و غیرقابل دفاع نویسنده بزرگی چون هدایت هنوز بهانه‌ای است برای تاختن به فرهنگ ایرانی از سوی شوونیست‌های عرب. همین است که امروز هم شاهد خبری هستیم که باید برایمان همچون خبر یک زمین‌لرزه می‌بود.

ادامه در صفحه ۵

حرف اول

خطابه‌ای از «نسل سوخته»

محمدعلی علومی . رمان‌نویس

موضوع اول: بنابه اصطلاحی رایج اما اشتباه، نسل ما را، معمولا «نسل سوخته» می‌نامند، اما از جنبش مشروطه به بعد، کمتر نسلی در میهن ما بوده که به‌نحوی از انحا نسوخته و استعدادهای فراوانش به هدر نرفته باشد! نسل ما، همانند نسل‌های پیش از خود درواقع با حماسه آغاز کرد اما آیا با تراژدی پایان یافته یا نه؟ به باور من، نه! ما، نسل سوخته نیستیم، بلکه در این صدواندی‌سال، همه نسل‌ها در شرایط دشوارگذار به سر می‌برند و ما نیز همچنین! به چندین دلیل بر این باورم؛ نخست و مهم‌تر از همه، آنکه زندگی انسان هنوز با فاجعه‌ای جهانی پایان‌نیافته (که حتی اگر پایان هم می‌یافت، باری به‌هرحال جان‌به‌دربردگان، زندگی را باز آغاز می‌کردند) و به قول همینگوی در «پیرمرد و دریا» انسان پیروز است، مرگ هست و شکست نیست. دلیل بعدی، حضور فعال هم‌دانشکده‌ای‌هاست که بیشترشان یا استادان دانشمند و واقعی دانشگاه‌ها یا روزنامه‌نگارانی تاثیرگذار یا انسان‌هایی هستند که به قول شادروان احمد شاملو: انسان را پاس داشته‌اند.

موضوع دوم: امر سیاست در ذهن و رفتار ما و نسل‌های پیش از ما، نه امری اثباتی و زمینی و حتی پوزیویستی، بلکه اساسا امری متعلق به آرمان‌های نیک انسانی بوده و ناگزیر، سپهری معنوی و ایجادگر هستی‌شناسی خاصی محسوب می‌شد. عده زیادی از مبارزان نسل‌های قبل از ما، به رغم هوش زیاد و تحصیلات عالی، به سبب همان رویکرد غالب رمانتیک و احساسی و خیالی به امر سیاست (که امری بسیار واقعی است)، طوری دیگر رفتار می‌کردند.

ادامه در صفحه ۵

معرفی آژانسهای مسافرتی، هتلها و مراکز گردشگری
دلتابان (سواحل خلیج فارس، تایلند، مالزی) ۲۲۲۲۲۴۲۶
دلتابان (سواحل مدیترانه، ارمنستان) ۲۲۲۲۲۴۲۶
دلتابان (موریس، برزیل، آفریقا) ۲۲۹۰۲۲۰۲
فطرس ۸۸۸۹۹۱۱۱
مارکوپولو ۸۸۵۰۳۵۶۴
پارسیان مهر گشت ۸۸۸۴۹۹۷۵
رجوع به صفحه ۱۲و۱۳
تلفن سازمان آگهی ها ۸۸۱۹۲۸۷۷

هاکوپیان
HACOUPIAN.NET

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۸۱۹۰۴۶۸ – ۸۸۱۹۳۹۷۹